نگاه بیرون

کلینتون و مسئله ایران

The Washington Post

ترجمه: شهرام زرندار

● هیلاری کلینتون از برجام حمایت کرده اما گفتمان سرسختانه‌ای علیه ایران به کار می‌برد. احتمال انتخاب او به ریاست‌جمهوری به طرز فزاینده‌ای افزایش یافته است و در صورتی که به ریاست‌جمهوری برسد، با مشکلات زیادی مواجه خواهد بود. نخستین چالش او این است که دولت اوباما و دموکرات‌هایی که در کنگره از دولت او دفاع کرده‌اند، در آزمون رک و راست بودن نمره قبولی نمی‌گیرند. مصداق آن آخرین اخبار از جزئیات پرداخت ۴۰۰ میلیون دلار به ایران و گزارش وال‌استریت‌ژورنال با عنوان «نامش را باج‌گیری نگذارید!» است. جزئیات مذکور نشان‌دهنده هم‌زمانی این پرداخت با آزادی چند زندانی آمریکایی از ایران و مبادله‌ای سفت و سخت است. بر این اساس مقامات ایالات متحده تا زمانی که هواپیمای نیروی هوایی سوئیس حامل سه آمریکایی آزادشده، تهران را در روز ۱۷ ژانویه ۲۰۱۶ ترک نکرد، به ایرانی‌ها اجازه دراختیارگرفتن پول مورد بحث را ندادند، اما همین که هواپیمای حامل آمریکایی‌های آزادشده تهران را ترک کرد، به یک هواپیمای باری ایرانی اجازه دادند تا این پول نقد را در همان روز از فرودگاهی در ژنو به تهران ببرد.

این مسئله تکان‌دهنده است اما دولت، مردم آمریکا را به‌درستی هدایت نکرده و حتی بدتر از آن، کاخ سفید اکنون هرگونه مانعی را از مسیر همکاری‌های ایران و روسیه که در تضاد با منافع آمریکاست، برداشته است. آمریکا در پاسخ به آزمایش‌های موشکی ایران اقدامی نکرده است. جان کری وزیر امور خارجه در تلاش برای شکوفایی اقتصاد ایران مانند عضوی از اتاق بازرگانی تهران عمل می‌کند. دولت هنگام تلاش برای شل‌کردن کمربند محدودیت‌ها درباره دسترسی ایران به معاملات دلاری، گیر افتاده و دستش رو شده است. دولت اوباما به پافشاری بر این ادعا که همه راه‌ها برای دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای بسته شده‌اند، ادامه می‌دهد. همچنین این هفته مطلع شده‌ایم که حدود صد هزار شبه‌نظامی مورد پشتیبانی ایران در عراق می‌جنگند. در همین حال چنان که کری از روسیه می‌خواهد به اجرای آتش‌بس در سوریه کمک کند (آتش‌بسی که فقط بردهای بشار اسد را که هم‌پیمان روسیه است بیشتر می‌کند) روسیه در حال گسترش هم‌پیمانی‌اش با ایران و نفوذ در سوریه به طرزی بی‌سابقه است. هواپیماهای روسی اکنون به‌طور مستقیم از ایران برای بمباران اهداف نظامی در سوریه به پرواز درمی‌آیند. درگیری بیشتر ایران در سوریه جای پای روسیه را در خاورمیانه افزایش و عملیات روس‌ها در بمباران اهداف نظامی در سوریه را گسترش می‌دهد و این خود باعث تقویت دولت بشار اسد در آستانه دور جدید مذاکرات صلحی است که سازمان ملل امیدوار است در هفته‌های آتی شروع کند. عملیات سه‌شنبه گذشته نشان‌دهنده همکاری نظامی در بالاترین سطوح بین مسکو و تهران بود؛ هر دوی این کشورها هم‌پیمانان اصلی رئیس‌جمهور سوریه هستند و این عملیات پیامی قدرتمندانه به ایالات متحده و منارکی‌های خلیج‌فارس که به ایران به‌عنوان دشمن قدیمی خود می‌نگرند، فرستاده است. این حرکت روسیه باعث تقویت روانی نیروهای مؤتلف اسد - ایران- حزب‌الله می‌شود و نشان‌دهنده این امر است که روسیه به طرزی راهبردی در سوریه از این نیروهای مؤتلف دفاع می‌کند- به عبارت دیگر دولت اوباما به ایران درباره دنبال‌کردن منافعش چراغ سبز داده و به روسیه نشان داده که کلا هیچ مسئولیتی در سوریه ندارد و بدین‌وسیله بار دیگر منافع آمریکا و هم‌پیمانان سنی آن را فدای دیپلماسی کرده است. کلینتون وارث پیامدهای سیاست صلح و تسلیم در برابر خواسته‌های دیگران از سوی دولت اوباما خواهد بود.

خردمندانه است که رئیس‌جمهوری آینده ایالات متحده و کنگره چند نکته را در نظر داشته باشند؛ اول اینکه هرچند همکاری کلینتون در تصویب برجام اشتباه بوده اما او سیاست پسابرجام اوباما را تأیید و از آن حمایت نکرده است. دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان مثل هم و به شدت درباره تهاجمی‌بودن فزاینده سیاست‌های ایران نگرانی دارند. دولت ایالات متحده از حمایت قوی برای اعمال تحریم به منظور تنبیه ایران به دلیل انجام آزمایش‌های موشکی، تلاش برای دستیابی به مواد هسته‌ای ممنوعه و نقض حقوق بشر برخوردار خواهد بود. کلینتون نیاز دارد که تهدیدهای طرح‌شده از سوی ایران و هم‌پیمانانش را که می‌گویند این حرکات باعث توقف برجام می‌شود، انکار کند. دوم اینکه می‌توانند به جای التماس‌کردن به روسیه، این مسئله را روشن کنند که یک سیاست جدید مبتنی بر عمل مستقیم علیه حکومت بشار اسد را برقرار خواهند کرد و این شامل برقراری مناطق امن در سوریه می‌شود.

به‌طور خلاصه اولین اولویت دولت جدید آمریکا باید تغییر سیاست در قبال ایران، سوریه و روسیه در خاورمیانه باشد. اگر کلینتون این قدم‌ها که هیچ‌کدام فی‌نفسه در تضاد با حمایتش از برجام نخواهند بود، بردارد؛ آمریکا قادر خواهد بود از ظهور خاورمیانه‌ای تحت سلطه ایران، سوریه و روسیه جلوگیری کند.

عکس: نسیم آنلاین

نگاهی به اهداف نخستین سفر منطقه‌ای ظریف به آمریکای لاتین

دیپلماسی در خدمت اقتصاد

شرق: محمدجواد ظریف، وزیر خارجه کشورمان و هیأت ۶۰نفره اقتصادی همراهش امروز (یکشنبه) عازم کوبا، نیکاراگوئه، اکوادور، شیلی، بولیوی و ونزوئلا می‌شوند. این نخستین سفر منطقه‌ای ظریف به آمریکای لاتین است و به نظر می‌رسد این سفر، آغاز فصل نوینی از همکاری‌های اقتصادی با این کشورها باشد. در هر کشور یک روز می‌مانند و برنامه‌ها بسیار فشرده است. وزیر خارجه با مقامات سیاسی این کشورها ملاقات می‌کند و فعالان اقتصادی در دیدار با همتایان خود، زمینه‌های همکاری فی‌مابین را بررسی می‌کنند.

آن‌طور که بهرام قاسمی، سخنگوی وزارت خارجه دیروز می‌گفت، تقویت روابط سیاسی و اقتصادی با این کشورها در چارچوب توسعه همه‌جانبه مناسبات با کشورهای آمریکای لاتین در دستور کار است؛ چراکه وزارت امور خارجه به لحاظ راهبردی به نگاه متوازن به همه کشورها و مناطق جغرافیایی در سیاست خارجی معتقد است و اکنون در فضای برجامی علاوه بر تقویت روابط با همسایگان و کشورهای اسلامی، به گسترش مناسبات با کشورهای آمریکای لاتین و آفریقایی را نیز توجه دارد. به گفته سخنگوی وزارت امورخارجه «در فضای مثبت ایجادشده پس از توافق هسته‌ای، در یک سال گذشته و با چشم‌انداز روشنی که پیش‌روی ملت ایران قرار دارد، کارآفرینان و شرکت‌های ایرانی می‌توانند از حداکثر ظرفیت‌های فنی، مهندسی، مالی، تجاری و تولیدی خود در خارج از کشور استفاده کنند که حضور ده‌ها شرکت ایرانی در سفرهای دوره‌ای وزیر امور خارجه به مناطق مختلف جهان، ازجمله آسیا، آفریقا و سفر آتی به آمریکای لاتین در همین چارچوب و در راستای صدور خدمات فنی - مهندسی و ترویج صادرات غیرنفتی به عنوان اهداف اقتصاد مقاومتی است».

پیام عملی برای گسترش روابط

سفر به آمریکای لاتین مانند سفر آفریقایی و دیگر سفرهای بعد از برجام ظریف، از نظر اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد و سخنگوی وزارت امور خارجه در این زمینه می‌گوید: «امروزه نمی‌توان ابعاد مختلف دیپلماسی و مؤلفه‌های گوناگون یک سیاست خارجی موفق را از یکدیگر تفکیک کرد. امروزه اقتصاد در خدمت دیپلماسی و دیپلماسی در خدمت اقتصاد هستند تا اهداف سیاست خارجی کشورها را پیش برانند؛ ازاین‌رو همراهی شرکت‌های اقتصادی و تجاری در سفرهای خارجی رئیس دستگاه دیپلماسی پیامی عملی برای گسترش روابط با کشورهای جهان است».

او با اشاره به اهمیت کشورهای آمریکای لاتین برای جمهوری اسلامی ایران به دلیل قرابت‌های سیاسی، فرهنگی و همسویی در سازمان‌ها و مجامع بین‌المللی، به‌ویژه در جنبش غیرمتعهدها، تأکید کرد: «اکنون ایران در موقعیتی است که می‌تواند دوستان سیاسی و شرکای تجاری‌اش را خود انتخاب کند و ناگزیر به همکاری با کشور یا منطقه خاصی در جهان نیست». آمریکای لاتین شامل ۳۹ کشور و جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ میلیون نفر است و ما تاکنون آن‌طور که باید از ظرفیت‌های همکاری با آنها، به‌ویژه در حوزه اقتصاد استفاده نکرده‌ایم. برخی کشورهای آمریکای لاتین از نظر اقتصادی و تأثیرگذاری در مجامع بین‌المللی ظرفیت‌های مهمی دارند.

کمک به برگزاری اجلاس عدم تعهد در ونزوئلا

مرسوم بوده که از این کشورها گوشت و دانه‌های روغنی وارد کرده و به آنها خشکبار، فرش و... صادر کنیم، اما مقامات مسئول اعتقاد دارند زمینه صادرات خدمات فنی - مهندسی و گسترش همکاری‌هایی از این دست نیز فراهم است؛ برای مثال مجید تخت‌روانچی، معاون ظریف، در توضیح اهمیت این سفر و ظرفیت‌های همکاری به نیاز ونزوئلا به حضور شرکت‌های ساختمانی ایران به منظور خانه‌سازی اشاره کرده بود.

ظریف نیز هفته گذشته در دیدار با خانم دلسی رودریگز، وزیر خارجه این کشور که به همراه وزیر نفت‌شان به تهران آمده بود، به سفر امروز خود اشاره کرده و گفته بود: «زمینه‌های همکاری دو کشورمان بسیار گسترده است و امیدوارم در این سفر با توجه به حضور نمایندگانی از بخش‌های بانکی و انرژی، بتوانیم مناسبات گسترده‌تر در حوزه‌های بانکی و انرژی برقرار کنیم». البته درباره ونزوئلا که در دولت نهم و دهم نیز بسیار مورد توجه ایران بود، موضوع فقط همکاری‌های اقتصادی نیست و ازهمین‌رو، ظریف در جلسه با همتای ونزوئلایی خود به مسئله انتقال ریاست جنبش عدم تعهد به این کشور پرداخت و اعلام کرد ایران آمادگی دارد در راستای برگزاری هرچه بهتر اجلاس سران این جنبش به ونزوئلا کمک کند.

نیاز فوری نیکاراگوئه

حرف از آمریکای لاتین که می‌شود به‌سرعت یاد توسعه روابط ایران با این گوشه از جهان در دوران دولت‌های نهم و دهم می‌افتیم. توسعه روابطی که آن زمان به خاطر سردی روابط ایران با غرب و کشورهای قدرتمند و ثروتمند دنیا به چشم نمی‌آمد، اما اکنون که اوضاع عوض شده و بعد از اجرائی‌شدن برجام و لغو تحریم‌ها، شاهد تمایل همه دنیا برای توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی با ایران هستیم ضروری است از پتانسیل‌های موجود در آمریکای لاتین نیز غفلت نکنیم و به سوی گسترش روابط گام برداریم. نیکاراگوئه یکی از آن کشورهایی است که در حوزه برق و انرژی نیازمند توانمندی‌های ایران است و ازهمین‌رو، وقتی چند سال پیش رئیس‌جمهور آن برای دیدار با احمدی‌نژاد آمده بود، تأکید کرد: «با توجه به نیاز عاجل نیکاراگوئه برای تولید برق، ما خواستار ایجاد نیروگاه حرارتی از سوی ایران در کشورمان هستیم». به گفته تخت‌روانچی همچنین موضوع بدهی مالی دولت نیکاراگوئه به تهران نیز حل شده و براساس مکانیسمی که دو کشور درباره آن توافق کرده‌اند، این بدهی پرداخت خواهد شد.

صادرات دارو به کوبا

همکاری‌های فعلی کوبا با انستیتو پاستور ایران نیز روشن می‌کند که می‌توان در تعامل با این کشور سراغ صادرات دارو رفت. تفاهم‌نامه‌های موجود در حوزه همکاری‌های صنعتی به‌خصوص صادرات منسوجات، همکاری‌های آموزشی و تحقیقاتی، خرید نیکل و فروش ورقه‌های آلومینیوم و پروفیل به کوبا، تبادل اطلاعات و گسترش همکاری بین شیلات دو کشور، همکاری در صنعت نیشکر و صنایع جانبی، گسترش همکاری‌ها در حوزه بنادر و کشتی‌رانی و صنعت حمل‌ونقل زمینی به‌خوبی گویای پتانسیل‌های موجود برای توسعه همکاری با این کشور است.

توسعه روابط با بولیوی نیز از دوران احمدی‌نژاد در مرکز توجه بوده است. ایران در بخش صنعت و انرژی این کشور سرمایه‌گذاری‌های گسترده داشته و چندین وام چندصدمیلیون دلاری نیز به آنها داده است. به‌عنوان مثال یک وام ۲۵۰ میلیون دلاری به‌طور مشترک به بولیوی و ونزوئلا برای ساخت کارخانه سیمان داده بودیم. علاوه بر این اختلافات بولیوی و آمریکا در رابطه با صنعت نفت و حمایت‌های ایران از این کشور سبب شده که شرکت نفت ایران و بولیوی (آذر ۱۳۸۸) تأسیس شود بنابراین در دولت یازدهم و بستر اقتصاد کنونی کشورمان نیز زمینه‌های ادامه و ارتقای همکاری‌ها با این کشور فراهم است.

در اکوادور نیز ظرفیت‌های بسیاری وجود دارد و استفاده از این ظرفیت‌ها در دیدار سال گذشته ظریف و وزیر خارجه آنها مورد تأکید قرار گرفته بود.

رایزنی‌های سیاسی با شیلی

به‌طورکلی هریک از این شش کشور ظرفیت‌هایی دارند که در این سفر می‌تواند زمینه همکاری‌های مشترک شود. اعزام هیأت ایرانی و برگزاری نشست‌های رودررو بین تجار، بازرگانان و فعالان اقتصادی موجب تفاهم در دستگاه‌ها و بخش‌های مختلف می‌شود و اگر حمایت‌های دولتی و مشوق‌های صادراتی نیز به آن اضافه شود، به توسعه قابل‌توجه مناسبات اقتصادی خواهد انجامید. در این میان سفر به شیلی است که احتمالا کمی سیاسی‌تر خواهد بود. سفارت این کشور اواخر سال گذشته بازگشایی شد و کاردار موقتشان نیز تقریبا در سکوت خبری به ایران آمد. این سفر و رایزنی‌های آن به طور قطع فرصتی است تا شیلی روابط خود با ایران را به سطح سفیر ارتقا دهد. به گفته مجید تخت‌روانچی نیز «مسیر تعامل و گفت‌وگو بین دو کشور در این راستاست ولی نمی‌توان گفت که حتما بلافاصله بعد از این سفر چنین اتفاقی رخ خواهد داد».

روزنه

ظریف در حیاط خلوت آمریکا

آزاده بابایی‌نژاد

● محمدجواد ظریف در رأس هیأتی سیاسی و اقتصادی برای نخستین‌بار از زمان به‌دست‌گیری سکان دستگاه دیپلماسی، امروز به آمریکای لاتین سفر می‌کند. او را در این سفر یک‌هفته‌ای ۶۰ نفر از بازرگانان و صاحبان شرکت‌های بخش خصوصی در حوزه‌های مختلف همراهی می‌کنند. قرار بود این سفر مهم در اردیبهشت‌ماه برگزار شود، امابه‌دلیل تحولات و ناآرامی‌های کشور ونزوئلا تا امروز به تأخیر افتاد. اگرچه ایران هدف اصلی از این سفر را گسترش روابط با کشورهای این منطقه به ویژه شش کشور یادشده عنوان می‌کند، روزنامه الحیاط چاپ لندن در این‌باره می‌نویسد: تهران به ظرافت تمام پی‌برده که باید در هر منطقه استراتژیکی، متحدان خود را داشته باشد تا از طریق دادوستد و رونق اقتصادی آنها را نمک‌گیر کند و با وجود بعد مسافت، دولت تهران دیپلمات‌هایش را به آمریکای لاتین می‌فرستد تا در شرایط اضطراری از آرای این کشورها در مجامع بین‌المللی به نفع خود سود جوید. در همین پیوند، روزنامه یدیعوت احرونوت چاپ رژیم اسرائیل نوشته: تهران در پی ائتلاف نفتی با شش کشور جنوب قاره آمریکاست و بدین ترتیب خود را برای هفدهمین اجلاس سران جنبش عدم تعهد آماده می‌کند که ۱۲۰ کشور عضو آن هستند و قرار است از ۱۳ تا ۱۸ سپتامبر (۲۳تا ۲۸ شهریور) در جزیره مارگاریتا ونزوئلا برگزار شود. نباید فراموش کرد که عربستان برای مقابله با نفوذ تهران در این منطقه، چند سالی است که نشست سران ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب با ۱۲ کشور مهم آمریکای لاتین موسوم به (ای‌اس‌پی‌ای) سازوکاری برپا کرده است، این نشست‌ها، مکانیسمی بین منطقه‌ای برای افزایش همکاری‌های اقتصادی و سیاسی است. شایان ذکر است که در آمریکای لاتین ۳۰ کشور با جمعیتی مجموعا ۶۰۰ میلیون نفر قرار دارد که به طور سنتی اقلامی همچون گوشت، برنج، گندم و دانه‌های گیاهی به ایران صادر می‌کنند، در مقابل نیز آنها انواع خشکبار و فرش و اقلام دارویی از کشورمان می‌خرند. همه کشورهای آمریکای لاتین به جز برزیل که پرتغالی صحبت می‌کنند، اسپانیایی‌زبان هستند. حال پس از این سفر، باید دید که تهران آیا می‌تواند این منطقه را واقعا حیاط خلوت خود کند یا خیر؟

ادامه از صفحه ۶

قیاس روحانی و احمدی نژاد قیاسی مع‌الفارق است

تشخیص آقای هاشمی هم این بود که مصالح این نظام را بعد از رهبری، من بیش از همه شما می‌فهمم. شما از کجا برای من که خود در رأس مصلحت‌سنجی نظام قرار دارم، تعیین‌تکلیف می‌کنید؟! نه‌تنها مصالح نظام این نیست که من نباشم! بلکه اتفاقا مصالح نظام در بودن من است. خب به هر دلیل شورای محترم نگهبان توجیه به این شد که به دلایل کِبَر سن و پیری! ایشان را تأیید نکند.

-در این انتخابات مناسب‌ترین و نزدیک‌ترین کسی که می‌توانست جایگزین آقای هاشمی شود، آقای روحانی بود. آقای ولایتی هم می‌توانست باشد، ولی مقدمات پیشینی‌اش به‌گونه‌ای بود که این اتفاق برای آقای روحانی رقم می‌خورد نه برای آقای ولایتی. در سال ۸۸ خیلی زمینه‌ها و استعدادها فراهم بود تا آقای ولایتی ظهور و بروزی داشته باشد، ولی در هر مقطعی مصلحت‌های آن زمان حاکم می‌شود.

-برای سال ۹۶ وقتی اسامی واجد صلاحیت‌های اصولگرایان را بررسی می‌کنید، برخی از اینها براساس مصلحت فردی خودشان نمی‌آیند. آقای علی لاریجانی حتما نمی‌آید، آقای علی‌اکبر ولایتی حتما نمی‌آید، آقای محسن رضایی حتما نمی‌آید. آقای قالیباف را هم اگر مقداری قلقلکش نکنند، نمی‌آید.

- حتما آقای عارف هم نمی‌آید. آخرش ته قضیه به آقای جلیلی می‌رسیم. آقای جلیلی هم که حتما نمی‌تواند کل اصولگراها را نمایندگی کند. ته قضیه به چه کسی می‌رسیم؟ آقای محمدرضا باهنر می‌ماند. اگر عاقل باشد که هست، به زبان دل خواهد گفت: اگر ظرفیتی داشته باشم که مرا به آزمون بکشند، آن را برای سال ۱۴۰۰ می‌گذارم که احتمال پیروزی دور از ذهن نباشد.

-اگر منظور از طلاق این باشد که اصلاح‌طلبان در دوره بعد همراهی‌شان را از آقای روحانی بردارند، به ضرس‌قاطع حرف باطلی است و این اتفاق نخواهد افتاد؛ به ادله فراوان. اعتمادبه‌نفس امروز اصلاح‌طلبان در مقام حمایت از حسن روحانی، از سال ۹۲ بیشتر است. چسبندگی ایشان البته در این موقعیت برای اصلاح‌طلبان، بیشتر از سال ۹۲ است. اصلاحات چه کسی را می‌خواهد جایگزین کند؟ مگر کسی را مناسب‌تر از ایشان دارد؟

کسی به‌عنوان جایگزین آقای روحانی در دوره دوم وجود ندارد. از نظر اصلاح‌طلبان هیچ بدیلی برای وی وجود ندارد. شیطنت برخی از طرح طلاق سیاسی، بیشتر بازی با الفاظ است و چنین چیزی امکان ندارد.

در این حد که بنده و شما مطلع هستیم، ظاهرا حسین فریدون از تأثیرگذاری در فرایند پیرامونی دفتر ریاست‌جمهوری دور شده است و این هم چیزی نیست که تحمیل‌شده باشد. شخص آقای حسن روحانی تشخیص داده و تصمیم گرفته است. از این نقطه به بعد هم، بیش از این نمی‌توان در حق حسین فریدون اظهارنظر کرد و باید اجازه داد، اگر ایشان مشکلی دارد و کارش به دستگاه قضائی کشیده شد، برود و ببیند چه اتفاقی افتاده است.

-آقای روحانی هم الان او را از حریم خود فارغ کرده و او هم رفته است. آقای رئیس‌جمهور اقدام خودش را انجام داده است. از این نقطه به بعد اگر دستگاه قضائی مشکلی با او پیدا کرد، رئیس‌جمهور باید چه‌کار دیگری در حقش انجام دهد؟

-(روحانی حسین فریدون) را خط قرمزش نکرده و نمی‌کند. کمااینکه نکرد. در تجربه نخستش همین کار را کرده است. کسی که همه زندگی گذشته‌اش درهم‌تنیده با برادرش بوده و به یک معنا آقای حسین فریدون در توفیق حسن روحانی و در فرایند ریاست‌جمهوری او نقش مؤثری داشته، این تدبیر را می‌پسندد و او را وا می‌گذارد!

-(غیبت مرعشی در جلسات حزب)، درست نیست شما به جلسه شورای مرکزی تشریف بیاورید. ایشان را می‌بینید.

نکته

کسی به‌عنوان جایگزین آقای روحانی در دوره دوم وجود ندارد. از نظر اصلاح‌طلبان هیچ بدیلی برای وی وجود ندارد. شیطنت برخی از طرح طلاق سیاسی، بیشتر بازی با الفاظ است و چنین چیزی امکان ندارد